

حکمت و دین پژوهی / ۶

بررسی رابطه فقه و اخلاق

نوشته

اعظم شایعی

www.ketab.ir



مؤسسه انتشارات امیرکبیر

تهران، ۱۳۹۰

سرشناسه: شفیعی، اعظم، ۱۳۶۲-
عنوان و نام پدیدآور: بررسی رابطه فقه و اخلاق / نوشته اعظم شفیعی.
مشخصات نشر: تهران: امیرکبیر، ۱۳۹۰.
مشخصات ظاهری: ۱۰۳ ص.
فروست: حکمت و دین پژوهی؛ ۶
شابک: 978-964-00-1419-6
وضعیت فهرست‌نویسی: فیا.
یادداشت: کتابنامه.
موضوع: اخلاق اسلامی.
موضوع: فقه.
موضوع: اخلاق.
رده‌بندی کنگره: ۱۳۹۰ ۴ ب ۶۵۵ ش/۸/۲۲۷ BP
رده‌بندی دیوبند: ۲۹۷/۶۱
شماره کتابشناسی ملی: ۲۴۹۰۷۲۲

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۰۰-۱۴۱۹-۶



مؤسسه انتشارات امیرکبیر

تهران: خیابان جمهوری اسلامی، میدان استقلال، صندوق پستی: ۱۱۳۶۵-۴۱۹۱

بررسی رابطه فقه و اخلاق

© حق چاپ: ۱۳۹۰، مؤسسه انتشارات امیرکبیر www.amirkabir.net

نوبت چاپ: اول

نویسنده: اعظم شفیعی

طراح جلد: محمدرضا نبوی

حروف متن: میترا ۱۳

چاپ و صحافی و لیتوگرافی: چاپ واژه‌پرداز اندیشه، تلفن: ۷۷۱۴۵۰۶۳

شمارگان: ۱۰۰۰

بها: ۲۲۰۰۰ ریال

همه حقوق محفوظ است. هر گونه نسخه‌برداری، اعم از زیراکس و بازنویسی، ذخیره کامپیوتری، اقتباس کلی و جزئی (به‌جز اقتباس جزئی در نقد و بررسی) و اقتباس در گیومه در مستندنویسی، و مانند آنها) بدون مجوز کتبی از ناشر ممنوع و از طریق مراجع قانونی قابل پیگیری است.

فهرست مطالب

۱۱	پیشگفتار
۱۳	مقدمه
۱۵	کلیات
۱۵	تعریف و تبیین موضوع
۱۵	ضرورت و اهداف نوشتار
۱۷	پیشینه پژوهش
۱۸	سوالات اصلی
۱۸	تعریف مفاهیم اساسی
۱۹	فصل اول: مفاهیم شناسی و بیان دیدگاهها
۱۹	۱. مفهوم اخلاق
۱۹	اخلاق در لغت
۲۰	اخلاق در اصطلاح
۲۱	تعریف علم اخلاق
۲۲	۲. تاریخچه علم اخلاق اسلامی
۲۳	مرحله اول: اخلاق نقلی
۲۳	مرحله دوم: اخلاق فلسفی
۲۶	مرحله سوم: اخلاق عرفانی و صوفیانه
۲۸	مرحله چهارم: اخلاق مزجی (مربک از قول، عمل، عرفان)
۲۹	۳. مفهوم فقه
۲۹	مفهوم فقه در لغت

۳۱ مفهوم فقه در اصطلاح.....
۳۲ ۴. تاریخچه فقه.....
۳۶ ۵. دیدگاهها درباره رابطه فقه و اخلاق.....
۳۶ ۱. نظریه جدایی فقه و اخلاق.....
۳۹ ادله قائلین به جدایی فقه از اخلاق و نقد آن.....
۴۱ ۲. نظریه پیوند و ارتباط فقه با اخلاق.....
۴۱ مفهوم رابطه فقه و اخلاق.....
۴۲ اقسام رابطه.....
۴۳ فصل دوم رابطه مقایسه‌ای و هم‌سنجی فقه و اخلاق.....
۴۳ مقدمه.....
۴۴ ۱. رابطه فقه و اخلاق در منابع.....
۴۴ الف - منابع فقه.....
۴۵ قرآن.....
۴۵ سنت.....
۴۶ اجماع.....
۴۶ عقل.....
۴۹ ب - منابع اخلاق.....
۵۰ ج - مقایسه فقه و اخلاق در منابع.....
۵۱ ۲. رابطه فقه و اخلاق در هدف.....
۵۱ الف - هدف علم فقه.....
۵۲ ب - هدف علم اخلاق.....
۵۴ ج - مقایسه فقه و اخلاق در هدف.....
۵۶ ۳. روش فقیه و عالم اخلاقی در برخورد با سنت.....
۶۲ ۴. رابطه فقه و اخلاق در موضوع و قلمرو.....
۶۲ الف - رابطه فقه و اخلاق در موضوع.....
۶۲ ۱. موضوع علم فقه.....
۶۳ ۲. موضوع علم اخلاق.....
۶۴ ۳. مقایسه فقه و اخلاق در موضوع.....
۶۵ ب - قلمرو فقه و اخلاق.....
۶۵ ۱. نقش نیت در فقه و اخلاق.....
۶۵ ۱ - ۱. نقش نیت در فقه.....

۲۰	۲-۱. نقش نیت در اخلاق.....
۷۱	۳-۱. مقایسه نقش نیت در فقه و اخلاق.....
۷۲	۲. رابطه فقه و اخلاق در حداکثری یا حداقلی بودن.....
۷۲	۱-۲. حداکثری بودن مسائل فقهی.....
۷۷	۲-۲. حداکثری بودن اصول اخلاقی.....
۷۸	۳. ضمانت اجرایی در فقه و اخلاق.....
۷۸	۱ - ۳. ضمانت اجرایی در فقه.....
۸۰	۲-۳. ضمانت اجرایی در اخلاق.....
۸۱	۳-۳. مقایسه ضمانت اجرایی در فقه و اخلاق.....
۸۱	۴. حیل شرعی در فقه و اخلاق.....
۸۵	فصل سوم: رابطه تأثیر و تأثری فقه و اخلاق.....
۸۵	۱. رابطه مقدمی و ابزاری فقه و اخلاق.....
۸۶	۲. رابطه تولیدی و مصرفی فقه و اخلاق.....
۸۶	۱-۲) تولید برخی مسائل به واسطه فقه و به کارگیری آن‌ها در اخلاق.....
۸۹	۲-۲) تولید برخی موضوعات توسط اخلاق و به کارگیری آن‌ها در فقه.....
۹۳	۳. رابطه فقه و اخلاق در اصل و فرع بودن.....
۹۵	نتیجه.....
۹۷	فهرست منابع.....
۹۷	منابع عربی.....
۹۸	منابع فارسی.....
۱۰۱	مقالات.....
۱۰۲	پایان نامه.....
۱۰۲	نرم افزار.....
۱۰۲	منابع تکمیلی.....

پیشگفتار

این پژوهش بر آن است تا مشخص کند میان فقه و اخلاق رابطه جداناپذیری وجود دارد. البته در این زمینه تلاش‌هایی صورت گرفته و جای خالی فقه‌الاخلاق به خوبی احساس می‌شود. زیرا ما در فقه‌الاحکام و فقه قضایی و اجتماعی پیشرفت خوبی داشته‌ایم ولی فقه‌الاخلاق هنوز مورد بی‌مهری قرار دارد. در اینجا لازم به ذکر است که اخلاق در لغت به معنی سرشت و سجیه، و در اصطلاح اخلاق مجموعه صفات روحی و باطنی انسان است. تعریف علم اخلاق عبارت است از دانش به صفات مهلکه و منجیه و چگونگی موصوف و متعلق شدن به صفات نجات‌بخش و رها شدن از صفات هلاک‌کننده می‌باشد. فقه در لغت به معنی فهم و در اصطلاح، علم به احکام و مقررات فرعی شرعی از روی ادله تفصیلی آن است.

بنابراین همان‌طور که اشاره شد سؤال این است که آیا میان این دو علم رابطه‌ای وجود دارد یا از یکدیگر جدا بوده و رابطه‌ای میان آن‌ها برقرار نیست؟ در پایان پژوهش به این نکته می‌رسیم که اگرچه این دو عین یکدیگر نیستند ولی در موضوع، منابع، هدف، روش فقیه و عالیم اخلاقی در برخورد با سنت یک‌سری شباهت‌هایی دارند گرچه تفاوت‌هایی نیز میان آن‌ها وجود دارد؛ و به این نتیجه خواهیم رسید که فقه مقدمه اخلاق است و تا فردی واجبات را انجام ندهد به پله‌های بعدی از جمله مستحبات و مکروهات فقهی، که اکثراً اخلاقی‌اند، نخواهد رسید. در واقع این مستحبات و مکروهات را فقه تولید و اخلاق استفاده می‌کند. از طرفی مسائلی مانند غیبت و دروغ و ... هستند که اخلاق آن‌ها را تولید و فقه حکم آن‌ها را که حرمت است بیان می‌کند. در واقع می‌توان گفت اخلاق اصل و فقه فرع است و نماز، روزه، حج، پرهیز از محرّمات و انجام همه واجبات برای پاک شدن از رذائل اخلاقی در رسیدن به کمالات انسانی است. بنابراین کسی

که قائل به جدایی این دو علم است در واقع به معنای عمیق این دو علم پی نبرده است. در انتها باید اشاره کنیم که در بررسی این دو علم، بیشتر از کتب فقهی اصولی و اخلاقی بهره برده‌ایم. در پایان تشکر خود را از مدیر محترم حوزه علمیة الزهراء (سلامه علیها) سرکار خانم کاظمی ابراز داشته و نیز مراتب قدردانی خویش را از سرکار خانم عظیمی مدیریت پژوهش و از استاد راهنمای گران قدر، جناب آقای عنایت‌الله شریفی و همچنین مادر مهربان و برادر عزیزم که همیشه حامی و پشتیبان من بودند، ابراز می‌دارم.

اعظم شفيعی

www.ketab.ir

مقدمه

در این پژوهش برآنیم به بررسی رابطه فقه و اخلاق بپردازیم و اینکه آیا میان این علوم رابطه‌ای برقرار است یا نه؟ زیرا گروهی برآنند رابطه‌ای میان این دو علم برقرار نیست و می‌توان فردی اخلاقی بود، ولی مقید به احکام دین نبود و برعکس. درحالی‌که این دو علم، رابطه جداناپذیری با یکدیگر داشته و مکمل یکدیگرند. می‌توان گفت: بعد از انقلاب اسلامی، در کنار نظام عبادی، به نظام‌های حقوقی، سیاسی، و اقتصادی، برای پاسخ‌گویی به نیازها و پرسش‌های موجود احساس نیاز شد. در این فضا، فقه سیاسی، فقه اقتصادی، فقه قضایی و حوزه‌های پژوهشی مستقل و مباحثات پویایی پدید آوردند، اما گویا نیاز به فقه‌الاخلاق که به‌طور کلی از آغاز مورد غفلت واقع شده بود، هنوز احساس نشده، درحالی‌که سایر نظام‌های اجتماعی فقه، و حتی نظام عبادی، در صورت تحکیم نظری و عملی شالوده‌های فقه‌الاخلاق قابل تحقق است.

در اینجا این سؤال مطرح است: در جامعه‌ای که ارزش‌ها، الگوها، و هنجارهای رفتاری با شاخص‌های اسلامی هماهنگ نشده، چگونه می‌توان سیاست، قضاوت و تجارت را براساس ارزش‌ها و هنجارهای اسلامی نهادینه کرد؟ از این‌رو احساس نیاز به فقه‌الاخلاق و اثبات رابطه میان آن‌ها، به‌خوبی احساس می‌شود و می‌توان گفت غایت فقه‌الاخلاق تدوین نظام اخلاقی است. گرچه در مورد رابطه میان فقه و اخلاق تلاش‌هایی صورت پذیرفته، مانند کتاب *فقه‌الاخلاق* شهید صدر، اما دامنه این بحث چنان گسترده است که تلاش بیشتری را می‌طلبد.

در بررسی رابطه میان علم فقه و اخلاق در سه فصل سخن به میان آورده‌ایم: در فصل اول به بیان مفاهیم و کلیات این دو علم از قبیل تعریف اخلاق و فقه در لغت و اصطلاح پرداخته‌ایم؛ سپس با اشاره کوتاهی به تاریخ آن‌ها و همچنین بیان دیدگاه‌ها در مورد اینکه آیا رابطه‌ای میان

این دو علم برقرار است یا نه پرداخته‌ایم که گروهی مخالف‌اند و در این بخش به بررسی و نقد دیدگاه آن‌ها خواهیم پرداخت. و از طرفی رابطه بین علوم را مطرح کرده‌ایم که در بین این دو علم مطرح است.

در فصل دوم با بیان رابطه مقایسه‌ای و هم‌سنجی این دو علم، موضوع، هدف و غایت هر دو علم را مطرح کرده و به بیان تفاوت‌ها و شباهت‌های میان آن‌ها پرداخته‌ایم و در این راستا روش فقیه و عالم اخلاقی در برخورد با سنت را مطرح کرده و به تبیین قلمرو این دو علم پرداخته‌ایم و نتیجه گرفته‌ایم رابطه نیت با فقه به صورت عموم و خصوص من وجه و با اخلاق به صورت عموم و خصوص مطلق است.

در مورد حداقلی و حداکثری بودن فقه و اخلاق نیز به حداکثری بودن آن‌ها پی برده‌ایم در بحث اینکه ضمانت اجرایی در فقه و اخلاق چیست؟ ضمانت اجرای اخلاق را صرفاً نیروی درونی و ضمانت اجرایی فقه را علاوه بر نیروی درونی، نیروی خارجی قانون دانسته‌ایم. در فقه نیز به این موضوع رسیدیم که یکسری راه‌های گریز در آن وجود دارد که شرعی‌اند ولی در اخلاق چون امری اختیاری است هیچ راه فراری وجود ندارد.

در فصل سوم به بیان رابطه تأثیر و تأثری فقه و اخلاق پرداخته‌ایم که خود در سه قسمت است: در قسمت اول مشخص می‌شود که فقه مقدمه اخلاق است و تا واجبات صورت نگیرد به اخلاق نخواهیم رسید.

در قسمت دوم خواهیم دید که برخی مسائل است که فقه آن‌ها را تولید و اخلاق مصرف می‌کند؛ مانند تمام مستحبات و مکروهات فقهی؛ و یکسری مسائلی هم هست که اخلاق آن‌ها را تولید می‌کند و در فقه حکمشان مشخص می‌شود، مانند غیبت و دروغ و ...

در قسمت سوم نیز به این نتیجه رسیده‌ایم که اخلاق اصل است و فقه فرع. و احکام فقهی را برای رسیدن به مدارج بالای کمال انجام می‌دهیم نه اینکه تنها آفریده شده باشیم که عبادت کنیم و نماز بخوانیم و روزه بگیریم و دیگر هیچ.

پس فقه و اخلاق جدایی‌ناپذیرند گرچه تفاوت‌هایی نیز با هم دارند؛ اما هر دو برای رسیدن به کمال مکمل یکدیگرند.